



## رمضان، ماه خودسازی (۱)

آنچه پیش‌رو دارید گزیده‌ای از سفنان حضرت آیت‌الله استادی (دامت برکاته) در دفتر مقام معظم رهبری (مدظله العالی) است که در تاریخ ۱۴/۰۱/۱۴۰۱، مطابق با روز اول ماه مبارک رمضان ۱۴۴۳ ایراد فرموده‌اند. باشد تا این رهنمودها بر بصیرت ما بیافزاید و چراغ فروزان راه هدایت و سعادت ما قرار گیرد.

### اشاره:

در کتب حدیثی و اخلاقی در مورد خصوصیات یک عالم و اینکه مردم پای درس چه کسی بنشینند سخن فراوان آمده است. توجه به مسائل اخلاقی و نگارش کتب پیرامون آن، قبل از اسلام هم وجود داشته است اما بعد از ظهور اسلام می‌بایست کتب اخلاقی طبق کلام خداوند در قرآن مجید و سخنان گهربار اهل بیت علیهم‌السلام نوشته می‌شد که اینطور نبوده و در کنار قرآن و روایات، سخنان حکما و ... را نیز در کتب اخلاقی وارد نموده‌اند. از کتاب‌های نوشته شده در عرصه اخلاق که بعد از ظهور اسلام می‌توان آن را مهمترین کتاب اخلاقی بین عموم مسلمین دانست، کتاب «احیاء العلوم» نوشته غزالی است که شامل قرآن، روایات و کلمات حکما است اما چون نگارنده آن شیعه نبوده است، در کتاب خود از کلمات اهل بیت علیهم‌السلام چیزی به میان نیاورده است. مرحوم فیض کاشانی رحمته برای رفع این نقیصه بزرگ و برخی نقاط ضعف این کتاب، کتاب «محجة البیضاء» را نوشت که الهام گرفته از همان کتاب غزالی است. بعد از آن کتب اخلاقی دیگری مانند «جامع السعادات»، «معراج السعادة» و ... نیز از محجة البیضاء الگو برداری کرده‌اند.

برخی بر این باورند که این روش صحیح نیست و در علم اخلاق می‌بایست از کلام خداوند و سخنان اهل بیت علیهم‌السلام بهره برد و در کنار آنان، آن مطالب صحیحی که از دیگران است را نقل کنیم. بزرگانی از جمله آیت الله مظاهری رحمته بر این عقیده هستند که کتاب اخلاق ما همان کتاب شریف «الکافی» است که بخشی از آن مشتمل علوم اخلاقی است و دیگر کتب اخلاقی تشیع باید از امثال این کتاب، علم اخلاق را اتخاذ کنند و نه آنکه علم اخلاق را از روایات عامه‌ای که برخی از آنان ناصحیح است و همچنین سخنان حکمای قبل از اسلام اتخاذ کنیم؛ مضاف بر آن که نگارنده کتاب احیاء العلوم برخی سخنان غیر قابل قبول را در کتاب خود آورده است.

### روایت کارساز در عرصه تبلیغ:

ورای این مطالب، روایتی در کتاب احیاء العلوم آمده که علاوه بر آن، در کتب حدیثی دیگری مانند «بحارالانوار»<sup>۱</sup> و ... هم آمده و در عرصه اخلاق، حدیث بسیار مشهوری است. روایت آنست که حضرت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: «تقربوا الی عالم یدعوکم من الشک الی»

<sup>۱</sup> بحارالأنوار، ج ۲، ص ۵۳.

اليقين و لا تقربوا الى عالم يدعوكم من اليقين الى الشك». یعنی مردم موظفند نزد عالمی بروند که از یک حالی آنان را به حال دیگری برگرداند. به تعبیر دیگر، حضرت دستور دادند که سراغ عالمی برویم که مثلاً اگر در موردی شک داشتی و نزد آن عالم رفتی، او این شک تو را تبدیل به یقین نماید. ما اهل علم آیا اینگونه هستیم؟ بنده خودم این نمره قبولی را ندارم و باید برای اثر گذاری در مردم به سه چیز مسلح شویم:

### ۱- تبلیغ با کارهای روزمره و زندگی شخصی:

هر عالمی یک زندگی شخصی دارد که اگر بخواهد در مردم اثر بگذارد و باعث تقویت ایمان در جامعه شود، در ابتدا باید زندگی شخصی خودش را اصلاح کند. باید به جایی برسد که برای شخصی که با او سر و کار دارد این اطمینان حاصل شود که آن عالم میخواهد او را به خدا دعوت کند. آن چیزی که می تواند در اعتقادات مردم اثر بگذارد و آن را تحکیم کند، عمل شخصی آن عالم است. بنده خدمت یکی از مراجع رسیدم و از ایشان نصیحتی خواستم. ایشان فرمودند: «مردم دینشان را از گفته های ما نگرفته اند. مردم دینشان را از کتاب اصول عقائد نگرفته اند. مردم دینشان را از عمل علما گرفته اند». این مرجع بزرگوار مثال می زدند که در نجف یک بازارچه ای وجود داشت که اهل علم و مردم، مایحتاجشان را از آنجا تامین می کردند. در این بین همه مردم می دیدند آن کسی که از منزل امام خمینی رحمته الله علیه برای خرید می آید، مانند بقیه مردم خرید می کند و آنچه که دیگران می خرند، او هم مانند بقیه مردم می خورد. برخی علاقتمندان امام رحمته الله علیه حتی قبل از نهضت، با کتاب های ایشان به آن بزرگوار علاقتمند نشده بودند بلکه با دیدن رفتار و عمل ایشان مجذوبشان شده بودند. هر طلبه ای باید اینگونه باشد و باید با غیر اهل علم تفاوت داشته باشیم. رسول الله صلی الله علیه و آله نیز همینگونه بودند. مردم صدر اسلام با استدلال و ... به پیامبر صلی الله علیه و آله ایمان نیاورده بودند بلکه با عمل و سابقه ایشان بود که مردم جذب اسلام می شدند.

### ۲- یکسانی گفتار ما بالای منبر با پایین منبر:

علاوه بر عمل شخصی صحیح، گفتار ما با مردم نیز مهم است. متأسفانه برخی ها از منبر که پایین می آیند، رنگ سخنانشان با بالای منبر فرق می کند و مانند عوام مردم از قیمت بازار، دلار و ... سخن می گویند. اینها گناه نیست ولی مردم سخن ما را با عملمان می سنجند. مرحوم آیت الله مجتهدی رحمته الله علیه در همه حالات سخنانشان از دین، رفتار علما و ... بود. مرحوم آیت الله حق شناس رحمته الله علیه حرف هایی که با مردم می زدند با منبرشان تفاوتی نداشت. بعنوان مثال می فرمودند: «یک بار در تجریش مهمان بودم ولی برای نماز جماعت آمدم مسجد بازار تا برای نماز اهمیت ویژه ای قائل شوم. سوار تاکسی که شدم، این موضوع را که برای راننده تعریف کردم، راننده هم مشتاق شد و برای اقامه نماز آمد مسجد بازار». صاحب داروخانه ای هم که آیت الله حق شناس رحمته الله علیه همیشه از آنجا دارو تهیه می کردند، به سبب رفتار عالمانه و سرشار از معنویت ایشان متحول شده بود.

آیت الله مصباح رحمته الله علیه می فرمودند: «ما خیال می کردیم که بعد از انقلاب دیگر همه چیز درست شده است و مساجد را دست کم گرفتیم و این اشتباهی بزرگ بود. در همین مساجد بود که انقلابیون تربیت شدند و در انقلاب مؤثر بودند». اگر علمایی مانند آیت الله حق شناس رحمته الله علیه و ... در همین مساجد بودند، با رفتارشان چقدر نیروی مخلص می توانستیم تربیت نمائیم.

### ۳- اهمیت دادن به محتوای منبر:

منبر هم جایگاه بلندی دارد و هر چه پیش آید نباید روی منبر گفت. رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) می فرمودند: «در جایی پای منبری نشسته بودم که آن سخنران سه سوال برای مخاطبین مطرح کرد و جواب آن را در منبر نداد و پایین آمد که این اشتباه است». بخصوص اگر عالمی بخواهد از اصول و محکّمات سخن بگوید و در مردم اثر بگذارد، نیازمند تامل بسیار بر روی مطالب منبر است که چه چیز را بگوید و چه چیز را نگوید.

اگر این سه مرحله اصلاح شد، مصداق این کلام «تقربوا الى عالم يدعوكم من الشك الى اليقين و لا تقربوا الى عالم يدعوكم من اليقين الى الشك» می شویم. نباید طوری شود که اگر شخصی ایمانی دارد، بعد از مجالست با یک عالم، ایمانش از دست برود.

«وصلی الله علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم»